

## تحولات تاریخی کیفر در پرتو صنعتی شدن

هادی رستمی\*

فرهاد میرزایی\*\*

### چکیده

کیفر از جمله پدیده‌هایی است که رابطه نزدیک و تنگاتنگی با تحولات صنعتی دارد. به موازات صنعتی شدن و پیدایش فناوری‌های جدید، نظام مجازات‌ها در معرض دگرگونی‌های فراوانی قرار گرفته است. کیفرهایی چون حبس، جزای نقدی، سلب اوقات فراغت، کار اجباری و روش‌های نوین اجرای کیفر اعدام بیش یا کم متأثر از فعل و انفعالات صنعتی بوده و به اقتضای پیچیدگی و پیشرفت اجتماعات دچار قبض و بسط‌های زیادی شده‌اند. بنابراین، در مطالعه تاریخی کیفرها نمی‌توان از نقشی که صنعت و تکنولوژی در این میان ایفا می‌کنند، غافل بود و تطور آنها را صرفاً به تحول اندیشه‌های فکری و فلسفی بشر فروکاست. مقاله حاضر بر آن است تا با کندوکاوی تاریخی در مسیر تحولات حاکم بر کیفرها، به‌ویژه برخی گونه‌های آن، تأثیر درازآهنگ صنعت بر کیفر را مورد ارزیابی قرار داده و با طرح و بررسی نمونه‌های تاریخی، فرضیه مذکور را به اثبات برساند.

**کلیدواژه‌ها:** کیفر، صنعتی شدن، کار اجباری، حبس، تبعید، جریمه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\*استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینای همدان (نویسنده مسئول) rostamilaw@yahoo.com

\*\*عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد، واحد بوئین زهرا

### مقدمه

مطالعه جرایم و ضمانت‌اجراهای کیفری به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن خاستگاه و بسترهای تاریخی آنها و بدون تحلیل واکنش اجتناب‌ناپذیر جامعه ممکن نیست و همواره باید به رابطه بین آنها توجه شود. اگر بزهکاری در دهه‌های اخیر متحول و دگرگون شده، عدالت کیفری نیز به نوبه خود عمیقاً از تحولات اجتماعی سال‌های اخیر متأثر شده است. نگاهی هرچند گذرا به سیر تاریخی تحولات کیفری حاکی از آن است که جوامع گوناگون در برابر ارتکاب جرم به شیوه‌های متفاوتی واکنش نشان می‌دهند. طرق مقابله و نحوه برخورد جامعه با پدیده جنایی تا حدودی به روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شرایط جغرافیایی، درجه رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی و سطح فکری مردمان جامعه و نیز اهدافی که هر نظام کیفری از تحمیل کیفر دنبال می‌کند، بستگی دارد. آنچه در این کنکاش تاریخی جلب توجه می‌کند، قبض و بسط این شیوه‌ها در طول زمان است؛ به‌خصوص که امروزه حقوق کیفری از حالت انتزاعی و ذهن‌گرایی صرف خارج شده و در پرتو یافته‌های علمی به سمت واقعیت‌گرایی و عینیت در برخورد با پدیده مجرمانه گرایش پیدا کرده است.

بررسی تحولات تاریخی از یک سو، نشان می‌دهد: «پاره‌ای تأسیسات کیفری، امروزه، به افسانه یا اسطوره و یا سرگرمی عمومی مردم تبدیل شده‌اند و برخی هم تنها برای افراد خیره قابل شناسایی بوده و برای عموم معنایی ندارند.»<sup>۱</sup> و از سوی دیگر، با کندوکاوی درباره پیشینه برخی گونه‌های کیفر می‌توان به نقش و تأثیر اجتناب‌ناپذیر صنعتی شدن بر تکوین و تکامل آنها و استخدامشان برای منافع نظام سرمایه‌داری برخاسته از فرایند صنعتی شدن پی برد. مطالعات انجام‌شده، تأثیر صنعتی شدن و نظام سرمایه‌داری بر نهاد مجازات را هم در آغاز پیدایش انقلاب صنعتی و هم پس از آن نشان می‌دهد. نزدیک به پایان سده شانزدهم شیوه‌های مجازات دچار نوعی تغییرات تدریجی اما عمیق گردید. امکان بهره‌کشی از نیروی کار زندانیان توجهات زیادی را به

1. Garland, David, Punishment and Modern Society, A Study in Social Theory, Clarendon Press, Oxford, 1990, p. 435.

خود جلب کرده بود و کیفرهایی مانند تبعید، بیگاری و حبس با اعمال شاقه به ظهور رسیدند. این فعل و انفعالات بیشتر در پاسخ به گذار تشنج‌آمیز به سمت صنعتی‌شدن صورت گرفت. کشورهای غربی که به دنبال حل و فصل خطرناک‌ترین جنبه‌های اجتماعی اختلال اقتصادی به نفع طبقه حاکم بودند، نهادهای کیفری تازه‌ای را برای حکمرانی و به نظم درآوردن مستعمره‌های خود ایجاد کردند.<sup>۱</sup>

این مقاله می‌کوشد تا نشان دهد که در پرتو تحولات پس از انقلاب صنعتی چه کیفرهایی تأسیس یا از بین رفته و یا تبدیل به قصه شده‌اند. ایده اصلی نویسندگان، این واقعیت تاریخی است که توجیه برخی اشکال کیفر و ضمانت‌اجراهای کیفری ملاحظات اقتصادی و نیازهای جامعه سرمایه‌داری بوده است. بنابراین، طی دو بند با طرح دورنمایی از مبانی نظری ارتباط صنعت و مجازات و چگونگی تحولات تاریخی کیفر در دوره طلوع صنعتی شدن و گذار به نظام سرمایه‌داری، پاره‌ای از مهم‌ترین ضمانت‌اجراهای کیفری را که به طرز فاحشی متأثر از این فرایند بوده و یا اینکه در چنین بستری تکوین و تکامل و بعضاً رو به افول نهاده‌اند، بررسی خواهیم کرد.

### ۱. مبانی نظری توجیه رابطه صنعت و نهاد مجازات

صنعتی‌شدن یک جریان و فرایند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عمیق و فراگیر است که بسیاری از بنیان‌های اجتماعی را دگرگون ساخته و همراه با آن ذهنیت و فرهنگ تازه‌ای پدید آورده است.<sup>۲</sup> در یک جامعه تکنولوژیک، همه اشکال و فعالیت‌های بشری، خواه رفتار شخصی و خواه فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌دهی شده، همه به نحوی اساسی با منطق حاکم و نظام ماشینی سازگاری می‌یابد. زندگی بشر حتی از سازگار شدن هم فراتر رفته و جریان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با

۱. پیکا، جرج، جرم‌شناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص. ۶۰.  
 ۲. خلیلی، محسن، «تبیین جریان صنعتی شدن در جهان صنعتی»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۷۴-۷۳، تیر و مرداد ۱۳۸۵، ص. ۳۶.

ماشین پیوند خورده و به بخش پیوسته و لاینفک آن تبدیل می‌شوند.<sup>۱</sup> انقلاب صنعتی که موجب پیشرفت بشر نسبت به طبیعت و تسلط بر آن شد، آغازی بود بر نگرش جدید نسبت به مسائل جامعه بشری؛ انقلاب صنعتی آن‌چنان در رقم زدن سرنوشت اقتصاد سرمایه‌داری و ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در ساختار و سازمان‌دهی اجتماعی همراه بود که برخی آن را «تشنج زایمان سرمایه‌داری نوین» و سرنوشت‌سازترین لحظه در تاریخ اقتصادی و اجتماعی از قرون وسطی به این سو دانسته‌اند.<sup>۲</sup> هرچند نگرش جدید با انقلاب صنعتی شروع شد، اما پس از اتمام دوران صنعتی و ورود انسان به دوران فراصنعتی دستخوش تحولات زیادی گردید.

جرم و مجازات به عنوان دو رکن نظام‌های عدالت کیفری بیش از همه در فرایند صنعتی شدن دستخوش نوزایی و نوآوری شد. حتی شیوه اجرای برخی مجازات‌ها نیز از خشم صنعتی شدن در امان نماند و فناوری، اجرای کیفر اعدام را آشکارا متحول ساخت. با آغاز صنعتی شدن و تکامل و گسترش صنعت و تکنولوژی و به موازات آن رشد چشمگیر فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، جرم‌هایی ارتکاب یافتند که پیش از آن سابقه نداشتند. به اعتبار ظهور جرایم جدید و تحول در شیوه بزهکاری، مجازات‌ها نیز تغییر یافته و صنعت همان‌گونه که ابزار و بستری برای ارتکاب جرم فراهم آورد، به عنوان وسیله‌ای مقتدر برای برخورد کارآمد و متناسب با مجرمان مورد استفاده دستگاه عدالت کیفری قرار گرفت. ارتباط صنعت و مجازات لاجرم یک‌سویه نبود و هرکدام موجب تحولاتی در دیگری شد.

**۱-۱. مجازات، پشتوانه صنعتی شدن**

همان‌گونه که صنعتی شدن نقش مهمی در طلوع و غروب کیفرها ایفا کرد، کیفر نیز در تحکیم عصر صنعتی شدن تأثیر فراوانی داشت. به دنبال رشد و توسعه انقلاب صنعتی و تشدید فرایند صنعتی شدن و افزایش تولید و اهمیت روزافزون سرمایه،

<sup>۱</sup> مانور، جری، «منطق صنعتی: علم، تکنولوژی و محیط زیست»، مجله سیاحت غرب، شماره ۳۷، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۳.

<sup>۲</sup> داب موریس، هربرت، مطالعاتی در زاد و ولد سرمایه‌داری، ترجمه حبیب الله تیموری، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص. ۲۸.

حقوق کیفری که در طول تاریخ حامی ارزش‌ها و دستاوردهای بشری بود، این بار به نحو چشمگیرتری این نقش را ایفا نمود. شواهد تاریخی در انگلستان به هنگام انقلاب صنعتی و سایر کشورهایی که پیش‌تر تحت تأثیر این فرایند قرار گرفتند، اهمیت و نقش قوانین، به‌ویژه قوانین کیفری را در رشد و توسعه صنعت به ما نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> از قرن شانزدهم میلادی که موضوع صنعت و تجارت دامنه وسیعی در اروپا پیدا کرد، به تدریج قوانین و مقرراتی برای حمایت از صنایع و اختراعات به تصویب رسید و تعرض و تجاوز به آنها را ممنوع و جرم‌انگاری کرد. در انگلستان مقررات شدیدی در حوزه صنعت تدوین شد و در راستای حمایت از صنایع داخلی، صدور فنون جدید و خروج متخصصان ماهر به خارج از کشور منع و مضمول قوانین جزایی گردید. بر پایه فرمان‌های هفتم و هشتم ویلیام سوم، صدور بوم و دستگاه نخ‌ریسی و جوراب‌بافی ممنوع شد و علاوه بر ضبط کالا جریمه نقدی به همراه داشت. همچنین بر پایه فرمان پنجم جرج یکم، ترغیب صنعتگران به کوچ جریمه‌ای ۱۰۰ پوندی و سه ماه زندان برای بار اول در پی داشت. با فرمان جرج دوم این مجازات تشدید یافت و جریمه برای بار اول به ۵۰۰ پوند و ۱۲ ماه زندان افزایش یافت. افزون بر این، صنعتگر باید تضمین می‌داد که به خارج از کشور نرود. صنعتگری که در خارج آموزش می‌دید، پس از اخطار نمایندگان و مأموران شاه می‌بایست در ظرف شش ماه به کشور بازگشته و ماندگار شود و از آن تاریخ نمی‌توانست هیچ جایگاه و حقی به عنوان وکیل و نماینده دیگران یا مالک به صورت خریدار یا وارث داشته باشد.<sup>۲</sup>

در درازای سده هفدهم، مراکز وسیع اقامت اجباری در سرتاسر اروپا بنیان گذاشته شد و در طی چند ماه از هر صد نفر ساکن پاریس یک نفر را در آنجا محبوس کردند. به تدریج، سیاه‌چال‌های قدیمی از بین رفته و بستر لازم جهت پدیدار شدن زندان‌های نوین فراهم شد. خاستگاه زندان‌های امروزی نه در زندان‌ها و سیاه‌چال‌های دوران پیش

۱. آشوری، محمد؛ و اسداله میرزایی، «حقوق کیفری و توسعه اقتصادی-صنعتی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص. ۴.

۲. رشیدی، علی، «جنایات ناپیدای نظام سرمایه‌داری: پنهان‌مانده از دید «دست ناپیدای» آدم اسمیت»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸۲-۲۸۱، ۲۸۹، صص. ۱۸۹-۱۸۸.

بلکه در خانه‌های کار، که به بیمارستان هم معروف بودند، نهفته بود. خانه‌های کار در بیشتر کشورهای اروپایی از قرن هفدهم پدید آمدند. در دوره‌ای که فئودالیسم در حال فروپاشی بود و بسیاری از دهقانان نمی‌توانستند روی زمین کار نمایند و آواره و سرگردان می‌شدند، در خانه‌های کار به آنها غذا داده می‌شد ولی آنها مجبور بودند بیشتر وقت خود را در این مؤسسات حاضر باشند و سخت کار نمایند. طی قرن هجدهم زندان‌ها، آسایشگاه‌ها و بیمارستان‌ها به تدریج از یکدیگر جدا شدند. اصلاح‌گران با مجازات‌های قدیمی مبارزه کردند و محرومیت از آزادی را از شیوه‌های مؤثر برای مقابله با فعالیت‌های تبهکارانه دانستند.<sup>۱</sup>

در تاریخ سرمایه‌داری نهادهای کیفی در شکل دادن نیروی کار نقش مفیدی، هرچند ناچیز، ایفا کردند. این نهادها با استفاده از ماهیت اجبارکنندگی‌شان می‌توانستند تضمین نمایند که کارگران با صداقت و تلاش تمام بهتر از همتهای خود مسؤلیت‌پذیری دارند. زندان‌های جدید مثل کانون‌های اصلاح و تربیت قدیم<sup>۲</sup> یک روش آموزش نیروی کار بودند؛ به همین‌سان، مجریان و طراحان رژیم‌های زندان در قرن نوزدهم تلاش می‌کردند زندانیان را نسبت به قدرت و اقتدار خود و نیز به یک زندگی آرام، باقاعده و صنعتی تسلیم نمایند. به گفته برخی نویسندگان «در مدارس

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۴.

۲. کانون‌های اصلاح و تربیت (House of Correction) که در آغاز برای رهایی شهرها از وجود گدایان و بی‌خانمان‌ها ایجاد شده بودند، در دوران انقلاب صنعتی و پس از آن کارکردهای اقتصادی فراوان پیدا نمودند. قدیمی‌ترین این مؤسسات Bridewell در لندن بود که در سال ۱۵۵۵ میلادی ساخته شد. این کانون‌ها هرچند در انگلستان به وجود آمدند، اما در هلند به اوج خود رسیدند. در پایان قرن شانزدهم این کشور پیشرفته‌ترین سیستم سرمایه‌داری در اروپا را داشت و در قرن هجدهم با توجه به سودآور بودن تولید پنبه، دولت آن را در فعالیت مؤسسات اصلاح و تربیت وارد کرد. ماهیت و فلسفه وجودی این مراکز با رشد صنعتی شدن از سرپناهی برای بی‌خانمان‌ها به کسب سود تغییر جهت داد و تأسیس این مراکز اصلاحی دیگر نتیجه عشق برادرانه یا احساس تعهد در رابطه با درماندگان نبود، بلکه آن بود که اصول نوانخانه‌ها و کارخانه‌ها و کسب سود را با نهادهای کیفی در هم آمیزد. برای تفصیل بحث در این زمینه، ر. ک:

- Rusche, George; and Otto Kirchheimer, Punishment and Social Structure, Fifth Printing, New Brunswick, Transaction Publishers, 2009, pp. 41-50.

اولیه، پس از آغاز صنعتی شدن، به کودکان طبقه کارگر مهارت لازم برای کار در کارخانه را تعلیم می‌دادند؛ به آنها اطاعت و فرمانبرداری و وقت‌شناسی را یاد می‌دادند. به دانش‌آموزان طبقه کارگر در اوایل قرن بیستم نوعی آموزش می‌آموختند که در یک اقتصاد بازار کار بتوانند مفید باشند.<sup>۱</sup>

انضباط کارگری یک مفهوم مهم در تحلیل مدیریتی دوران مدرن به شمار می‌آید. این همان انضباط بنتام بود که در اواخر سده هجدهم به بار نشست؛ یک سیستم وحشت جدید. دیدگاه بنتام از کارخانه در شیوه‌های کیفی هم رسوخ کرد. کارخانه‌های یکنواخت و کسل‌کننده زندان به عنوان شکلی از کار برای بهبودی اخلاقی و رونق بخشیدن به تولید در حد وسیعی تأسیس شدند.<sup>۲</sup> در دوران مدرن، انضباط به سبک ارتش بر الگوهای سازمانی صنایع، ادارات و بازرگانی تأثیر عظیمی داشت. در واقع، راهکارها و راهبردهای انضباطی از آغاز دوران مدرن به بعد پیدا شدند. آن‌سان که مورخان جامعه‌شناسی از ماکس وبر تا میشل فوکو و نوربرت الیاس نشان داده‌اند، شیوه‌های قدیمی منضبط کردن افراد مانند رفتارهای وحشیانه و علنی با خلافکاران، جای خود را به شیوه‌هایی دادند که بر انضباط فردی و خویش‌داری تأکید می‌کردند. اعمال انضباط مستلزم سازوکاری است که به وسیله بازی نگاه ایفای نقش می‌کند؛ نگاه‌هایی که باید ببینند، بی‌آنکه دیده شوند. رصدگاه‌هایی که بدین‌سان شکل گرفتند، بستر مناسبی برای انقیاد بشر و استفاده از او فراهم کردند. موفقیت قدرت انضباطی، بی‌شک، ثمره کاربست ابزارهای ساده است: نگاه پایگان‌مند و مراقبتی.<sup>۳</sup> الیاس نشان داد که چگونه «فرایند متمدن شدن» مستلزم اصلاح آداب غذا خوردن و مهار یا مخفی کردن عطسه یا بادگلو بوده است و فوکو هم به‌روشنی آشکار ساخت که طرح زندان

1. Kupchik, Aaron; and Torin Monahan, "The New American School: Preparation for Post Industrial Discipline", *British Journal of Sociology of Education*, Vol. 27, No. 5, November 2006, pp. 617-618.

2. Mckinlay, Alan, "Managing Foucault: Genealogies of Management", *Management & Organization History*, Vol. 1, 2006, pp.90-91.

۳. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۴.

«همه‌سوبین» یا پانوپتیکن<sup>۱</sup> بنام چگونه نوعی انضباط مدرن را به نمایش می‌گذارد. کارکرد انضباطی کیفرهای مدرن، که متأثر از صنعتی شدن بودند، دستاویزی شد برای صف‌آرایی مخالفان و سرانجام تولد جنبش مطالعات انتقادی حقوق<sup>۲</sup> که روش آن به چالش کشیدن نظام کیفری لیبرال از ابعاد بیرونی و درونی است.<sup>۳</sup> از نظرگاه این جنبش، ثمره گسترش فن‌آوری‌ها و طراحی‌های محیطی ایجاد یک جامعه قفس‌گونه و تنبیهی بود که انسان به دست خود ساخته است.

## ۱-۲. تحول مجازات با ظهور نظام بازار آزاد

نزدیک به پایان سده شانزدهم مشخصه‌های جمعیت‌شناسی و اقتصادی چند کشور اروپایی تغییرات اساسی نمود و همین مسأله دگرگونی‌های عمیقی در شیوه‌های سیاسی آنها و روش‌های به‌کاررفته در مجازات مجرمین ایجاد کرد. تجارت‌گرایی جدید، برخلاف دوره‌های پیشین، با عملکرد نیروی کار و هزینه‌های دستمزد بالا مشکلاتی در امنیت نیروی کار در سیستم تولید جدید پدید آورد. این وضعیت دولت‌ها را بر آن داشت تا با هدف گسترش دادن به صنعت و حمایت از تجارت، طیف وسیعی از سیاست‌ها، مانند تنظیم سطوح دستمزدها، ساعات کار و مهاجرت را به کار گیرند. به

۱. کلمه پانوپتیکن (Panopticon) از دو کلمه «همه» و «هنر دیدن» تشکیل شده است. در نظام بنامی اداره زندان‌ها، زندان جایی است که رئیس در مرکز زندان در جایی پنهان قرار می‌گیرد و به نحوی دائمی تمام سلول‌هایی را که دایره‌وار در دور تا دور جایگاه وی قرار گرفته‌اند، می‌بیند. بنام، که فوکو وی را پیش‌قراول یک جامعه پلیسی معرفی کرده، در خصوص طرح خود می‌گوید: «اگر انسان وسیله‌ای پیدا نماید تا بتواند به کمک آن از هر چیزی که برای تعدادی از آدم‌ها پیش می‌آید، باخبر شود ... از اعمال آنها، از تمام اوضاع و احوال زندگی آنها آگاه باشد، به‌نحوی که هیچ موردی از چشم او مخفی نماند و از هرگونه مخالفتی که ممکن است در سرپروراند، مطلع شود. چنین وسیله‌ای برای حکومت کردن بر آنها بسیار مؤثر و سودمند خواهد بود.» ر.ک: - مالوری، فیلیپ، اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۴.

## 2. Critical Legal Studies (CLS).

۳. این جنبش با نقد فرایند شکل‌گیری انضباط مدرن، که مولود تکنولوژی بود، رویکرد ساختارشکنانه‌ای را برای معرفی دیدگاه‌های خود اتخاذ کرد. برای آشنایی بیشتر در این رابطه، ر. ک: - جعفری، مجتبی، جامعه‌شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، صص. ۱۴۳-۱۴۱.



تعبیر برخی تاریخ‌نگاران، پیشینه جرم‌انگاری تکدی‌گری نشان می‌دهد که قوانین علیه ولگردها و متکدیان در اروپای قرن شانزدهم بیشتر به منظور حمایت از منافع سرمایه‌دارانی که از کمبود نیروی کار ناشی از مرگ و میر فراوان و انواع بیماری‌های واگیر رنج می‌بردند، تصویب شدند. در اواخر این قرن، کمی نیروی کار به ناچار سبب تغییر عقیده در برخورد با گدایان شد، زیرا کمبود نیرو را با تکدی‌گری، تنبلی و گدایی مرتبط می‌دانستند.<sup>۱</sup> پیش از انقلاب صنعتی بینوایان جز موارد استثنایی در کلبه محقر خود می‌ماندند، تبهکاران را جریمه کرده یا تازیانه می‌زدند و یا به جای دیگر تبعید می‌کردند. دیوانگان نزد خانواده‌هایشان نگهداری می‌شدند. نظام صنعتی این وضعیت را دگرگون کرد. اوایل قرن نوزدهم در واقع عصر «زندان‌های بزرگ» است. زیرا تبهکاران از اطراف جمع‌آوری و زندانی شدند، بیماران روانی در تیمارستان‌ها و کودکان نیز در مدارس متمرکز شدند؛ درست همان‌گونه که کارگران را در کارخانه‌ها تجمیع کرده بودند.<sup>۲</sup> ظاهراً این نگرانی‌های اقتصادی، و نه دغدغه‌های بشردوستانه، بود که به ظهور مجازات‌های جدید در این دوران دامن زد.

به باور برخی، بین شرایط مادی و مسائل مختلف اقتصادی جامعه و پیدایش کیفی‌های گوناگون رابطه مستقیم برقرار است. وجود بازار علت واکنش سرکوب‌کننده است. اگر کار وجود نداشته باشد، دستمزد ناچیز باعث ناراحتی و افسردگی می‌شود و بالطبع واکنش کیفی اثر تنبیهی خود را از دست می‌دهد.<sup>۳</sup>

پیش از آنکه اصول اقتصاد کلاسیک به صورت قوانین ثابت تعمیم پیدا کند، در انگلستان قرن‌ها محاکم مخصوص برحسب مقرراتی که دولت‌های محلی و ملی سوداگر برای کار وضع کرده بودند، دستمزد کارگران و حداقل آن را تعیین می‌کردند، لیکن با توسعه صنعتی در کشور و احتیاج به کارگر کم‌مزد همه این مقررات یک‌باره دگرگون شد و شیوه تعیین دستمزد از سوی دادگاه‌ها رسماً در سال ۱۷۶۲ ملغی گردید و از آن

1. Rusche and Kirchheimer, op.cit., pp. 31-41.

۲. تافلر، آلون، جابه‌جایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست‌ویکم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ نهم، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴، ص. ۷۴.

۳. آشوری و میرزایی، پیشین، ص. ۲۶.

به بعد، انگیزه‌های اقتصادی بازار سرنوشت مزد کارگران را به دست گرفت. مدت‌ها قبل در انگلستان دولت الیزابت چون سختگیری‌های شهرداری را در امر اشتغال و دادوستد مانع رشد و پیشرفت تجاری و صنعت می‌دانست، مقررات ملی را به جای مقررات ناحیه‌ای معمول نمود. بر طبق قانون کارآموزی سال ۱۵۶۳، مجموعه قوانین پیچیده‌ای جهت نظارت دولت بر اقتصاد و کار تدوین شد که تا ۱۸۱۵ پابرجا بود. این قوانین که به منظور جلوگیری از تنبلی و بیکاری بود، مقرر می‌داشتند: «هر جوان قوی‌بنیه باید هفت سال شاگردی نماید، زیرا تا انسان به سن بیست‌وسه سالگی نرسیده باشد، غالباً و نه همیشه خام و فاقد تجربه است. حتی این قوانین مقرر می‌داشتند که هر جوانی که به سن سی سالگی برسد و به میل خود بیکار باشد و سالانه ۴۰ شیلینگ عایدی نداشته باشد، طبق دستور اولیاء امور مجبور بود که به کار بپردازد و کافرمانی که بدون دلیل کارگران را جواب می‌کردند، ۴۰ شیلینگ جریمه می‌شدند. کارگرانی که بی‌جهت کار را ترک می‌کردند، به زندان می‌افتادند و هر گونه اعتصابی ممنوع بود و اعتصاب‌کنندگان زندانی یا جریمه می‌شدند.»<sup>۱</sup>

با وقوع انقلاب صنعتی، قوانین سخت‌گیرانه این بار به نفع حفظ و نگهداری دستاوردهای انقلاب صنعتی ایجاد شدند. مهاجرت پیشه‌وران و صنعت‌گران به خارج از کشور قدغن و بعضاً با کیفر مرگ و زندان همراه بود. مالکیت خصوصی به صورت یک قاعده انحصاری درآمده و طبقات پایین اجتماع، کشاورزان و کارگران آموختند که قانون‌شکنی‌های سابق را به نفع سرمایه‌داری نوین کنار بگذارند.<sup>۲</sup> یک رشته قوانین و مقررات با هدف جلوگیری از پخش دانش فنی انگلیسی و افتادن آن به دست رقبا در اروپای قاره‌ای و آمریکا وضع گردید.<sup>۳</sup> قوانین این کشور در این زمینه تا آنجا پیش‌روی

۱. دوران، ویل، تاریخ تمدن: آغاز عصر خرد، جلد هفتم، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، چاپ سیزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷، ص. ۵۴.

2. Norrie, Alan Wiliam, Crime, Reaserch and History: A Critical Introduction To Criminal Law, 2<sup>nd</sup> ed, London, Cambridge University Press, 2006, pp. 20-21.

۳. اشتن، تی. اس، انقلاب صنعتی، ترجمه احمد تدین، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۹.

کرد که صنعتگرانی که این دوره‌ها را سپری نمی‌کردند، از بسیاری حقوق اجتماعی مانند حق مراجعه به دادگاه محروم شده و از انجام یک سری اعمال تجاری هم ممنوع بودند.<sup>۱</sup> در این سال‌ها، نخست‌وزیر انگلستان به منظور جلوگیری از تبلیغ و ترویج سیاسی در میان کارگران صنعتی یک رشته قوانین سرکوب‌گرانه را از تصویب پارلمان گذراند. به موجب این قوانین، هرگونه تجمع و اتحادیه کارگری برای زیر فشار گذاشتن کارفرما و کوتاه کردن ساعت‌های کار یا افزایش دستمزد ممنوع و متخلفان، مجرم اعلام شد. این قوانین تا ۱۸۲۴ باقی ماند. ترس از رقابت خارجی در انگلستان با پایان سال ۱۸۱۵ کاهش یافت، زیرا نه تنها کمبود کارگر ماهر مطرح نبود، بلکه مازاد این نیرو هم احساس می‌شد و قانون‌گذاران نیز نگران خطر این جمعیت اضافی کارگران بودند و لذا قوانین ممنوعیت مهاجرت کارگران و حتی صادرات ماشین‌آلات لغو شد.

روشه و کرچه‌ایم در «کتاب مجازات و ساختار اجتماعی» به سه شکل جدید مجازات معرفی شده در آغاز عصر صنعتی شدن اشاره دارند که عبارتند از: پارو زنی در کشتی، تبعید و حبس با اعمال شاقه. کیفر پارو زنی بر روی کشتی‌ها در فرانسه در سال ۱۵۶۴ آغاز شد و محکومان برای پارو زنی در نیروی دریایی پادشاهی فرستاده می‌شدند، زیرا این نیرو احتیاج بیشتری به کارگر برای گسترش ناوگان خود داشت. این کیفر در فرانسه، اسپانیا و ایتالیا از اواخر قرن پانزدهم تا قرن هجدهم به عنوان مجازاتی برای مجرمین خطرناک و ولگردان و متکدیان به کار برده می‌شد.<sup>۲</sup> کشورهای دریانورد چون در استخدام مردان آزاد برای کار مشکل داشتند کیفر پارو زنی را ابداع نمودند. معرفی و تنظیم کیفر پارو زنی و کیفرهای دیگر که در این دوران شکل گرفتند، صرفاً جهت به دست آوردن نیروی کار لازم و ارزان و حتی رایگان بوده است. روند دگرگونی‌های صنعتی در سده‌های شانزدهم و هفدهم سبب شد تا مجازات‌های بدنی شدید مانند

1 . Mokyr, Joel, "Institution and Begining of Economic Growth in Eighteenth Centry Britain", 2008, pp. 13-14, available at: <http://growthbook4.ec.unipi.it/chapter1-mokyer.pdf>.

۲. مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری اروپا، ترجمه حمیدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجد، ۱۳۸۲، ص. ۹۵.

شلاق، داغ کردن و اعدام جای خود را به کیفرهایی مانند کار سخت و مولد، به ویژه کارهایی که افراد از انجام دادن آنها سرباز می‌زدند، بدهد.<sup>۱</sup>

بدین‌سان، ظهور قالب‌های جدید مجازات، که تکیه کمتری بر خشونت دارند، تحت‌تأثیر فعل و انفعالات بازار کار قرار می‌گیرد. کمبود نیروی کار موجب شد تا مقامات و نهادهای دولتی سازوکارهایی ایجاد کنند که از نیروی کار مجرمان بهره بیشتری بگیرند.<sup>۲</sup> البته برخی با دیدگاه مزبور موافق نبوده و بر این باورند که تحقیق در مورد پیشینه بعضی مجازات‌ها چیز دیگری را اثبات می‌کند. برای نمونه، «تبعید به مستعمرات در بریتانیا نشان می‌دهد که دست‌کم در تبعید به استرالیا این سیستم مجازات پاسخی به بحران کیفرشناختی در این سرزمین (انگلستان) بود، نه برای مزایای اقتصادی در خارج؛ حتی هزینه‌های نقل و انتقال، نگهداری و حفظ محکومین بار سنگینی بر عهده دولت گذاشته بود که توجیه اقتصادی نداشت. تاریخ‌نگاران کانون اصلاح و تربیت چنین بحث می‌کنند که گرچه انگیزه‌های تجاری ممکن است در بنیان‌گذاری این نهادها نقش داشته باشند، اما در واقع تعداد کمی از آنها مزایا و منافع مالی دربرداشته‌اند. این مؤسسات توسط اشخاص خیر احداث و با هزینه‌های گزافی اداره می‌شدند که فقط تا حد کمی با فروش کار زندانیان جبران می‌شد. در رابطه با زندان‌های اوایل قرن نوزدهم هم داستان تقریباً همین است. ساختن ندامتگاه‌ها و زندان‌ها اغلب با هزینه‌های عظیمی همراه بود. گرچه نیروی کار زندانیان همیشه به عنوان بخشی از این رژیم تصور می‌شد، اما قابلیت سوددهی آن اغلب تابع ملاحظات دیگری چون بازدارندگی یا اصلاح بود...»<sup>۳</sup> با این حال، نمی‌توان ادعای مزبور را نادیده گرفته و تحولات حاکم بر مجازات‌ها را صرفاً در پرتو ملاحظات نظام سرمایه‌داری و صنعتی شدن توجیه کرد. ورود به عصر روشنگری و آغاز نهضت توجیه و تبیین فلسفی

۱. یان، مارشال، «جامعه‌شناسی مجازات»، ترجمه محمدعلی کریمی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲۴،

۱۳۸۴، ص. ۲۰۷.

2. Vaughan, Barry, "The Civilization Process and the Janus of Modern Punishment", *Theoretical Criminology*, Vol. 4, 2000, p. 72.

3. Garland, op. cit., pp. 106-107.

مجازات و ظهور مکتب‌های حقوق کیفری و بیش از همه درخش اصلاح‌طلبان و متفکرانی همچون سزار بکاریای ایتالیایی و جان هوارد انگلیسی تأثیر زیادی بر قاعده‌مندی و عقلانی کردن نظام حاکم بر جرایم و مجازات‌ها گذاشت.<sup>۱</sup>

## ۲. تأثیر صنعت بر پیدایش، زوال و شیوه اجرای مجازات‌ها

تاریخ گویای آن است که نظام نوپای صنعتی در آغاز بدون مدد گرفتن از ابزار کیفر نمی‌توانست جان بگیرد. از این رو، سیاست دولت‌های تازه بر استفاده از نظام کیفری برای استحکام و رشد صنعت قابل توجیه بود. آنچه جامعه صنعتی با قدرت صنعتی‌اش به آن نیاز داشت، نظام کیفری مقتدری بود که می‌توانست ترس را بر درون قلب‌های گرسنگان نشانده و فکر ارتکاب جرم را ذهن آنان بزدايد و چنین کارکردی در طیفی از کیفرها نهفته بود. البته کیفر تنها برای نظام بخشیدن به جامعه صنعتی نبود، بلکه برخی گونه‌های کیفر که در این نظام متولد و به کار گرفته شدند به پیروی از نظام سرمایه‌داری جنبه سودآوری نیز پیدا کرده و هدف نهایی آنها، کسب سود بوده است. با نگاهی گذرا به برخی ضمانت‌اجراهای کیفری، به ویژه جزای نقدی، می‌توان آشکارا نقش و جایگاه پول را در صنعت مجازات دنبال کرد. در ادامه، به بررسی برخی از کیفرهایی که حیات و ممانتشان به شدت تحت تأثیر تفکر صنعتی شدن بوده، پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. کار اجباری مجرمان و زندانیان

هرچند کار اجباری امروزه به عنوان یک جرم مورد توجه اسناد بین‌المللی<sup>۲</sup> قرار گرفته، اما به کارگماردن مجرمین و زندانیان از قدیم‌الایام به منظور تنبیه، مجازات و یا

۱. برای آشنایی به تحولات تاریخی مجازات‌ها از منظر تاریخ اندیشه و نیز تأثیر این اندیشه‌ها بر تعدیل کیفرها، ر.ک:

- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابراندآبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱؛ بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابراندآبادی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.

۲. کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در چهلمین اجلاس خود که در تاریخ ژوئن ۱۹۵۷ در ژنو منعقد گردید، مقاله‌نامه‌ای را با عنوان «مقاله‌نامه شماره ۱۰۵ در خصوص منع کار اجباری» به تصویب رسانید. دولت ایران نیز براساس قانون «اجازه الحاق دولت ایران به مقاله‌نامه بین‌المللی منع کار اجباری

شکنجه متهمان مرسوم بوده است. چنین اعمالی به معنی امروزی کار نبود و از زندانی مانند یک ابزار استفاده می‌شد. بسیاری از بناهای عظیم در سراسر جهان حاصل چنین رفتارهای غیرانسانی با زندانیان است. بعدها تحت تأثیر افکار مذهبی و پیشرفت‌های علمی و صنعتی به تدریج جنبه تنبیهی کار تعدیل شد و به وسیله ای برای اصلاح و تربیت و کسب سود تبدیل گردید.<sup>۱</sup> با آغاز دوره مدرن اروپایی، برنامه‌های کار و صنعت در زندان شکل منظم و منسجم‌تری گرفت و کم‌کاری و بی‌نظمی ممنوع شد. التزام به کار، زندان‌ها را از گداخانه‌ها، دارالمساکین، آسایشگاه‌های روانی، شفاخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگ صنعتی متمایز می‌کرد. بی‌گمان، یکی از دلایل عمده گسترش این مجازات پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی ناشی از کار زندانیان بود.

کار اجباری، همراه با استفاده از نیروی بدنی زندانیان و بدون پرداخت هزینه و دستمزد، از همان روزهای آغازین سده شانزدهم در کشورهای اروپایی و به‌ویژه شمال اروپا گسترش یافت و جایگزین کیفیت‌هایی چون داغ زدن گردید. سابقه این کیفر حتی نسبت به زندان بیشتر بود، لذا تعجبی ندارد که زندان تا حد معینی پس از اردوگاه‌های کار اجباری به ظهور رسید.<sup>۲</sup> شگفت آنکه زندانیان از کار گروهی اجباری استقبال می‌کردند، زیرا فرصتی را برای دیدن و شنیدن آنچه بیرون از زندان روی می‌داد برای آنها فراهم می‌کرد. کار کردن برای خدمات عمومی شکلی از کار صنعتی بود که به جای مجازات‌های جنایی برقرار شده بود، اما کم از آن نداشت. این مجازات شامل سخت‌ترین و کشنده‌ترین کارها بود. کندن زمین، آوردن سنگ‌های بزرگ، ایجاد تونل‌های عمیق و خطرناک، کار در معادن ناامن، پل‌سازی روی رودهای خروشان، پاک‌کردن کوچه‌ها و شوارع از زباله‌های متعفن نمونه‌هایی از کارهای اجباری بودند. این کیفر تقریباً همزمان

مصوب ۱۳۳۷/۸/۱۰» این مقاله‌نامه را امضاء نمود. ماده یک این مقاله‌نامه ضمن موظف نمودن کلیه دولت‌ها به جلوگیری از کار اجباری، صورت‌های کار اجباری را توضیح داده است.

۱. صفاری، علی، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر)، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، صص. ۱۷۶-۱۷۵.

2. Pete, Stephen, "Falling on Stony Ground: Importing the Penal Practices of Europe into the Prisons of Colonial Natal", *Fundamina*, vol. 13, no. 2, 2007, p. 109.

در لندن (۱۵۵۵)، آمستردام (۱۶۹۶)، کپنهاگ (۱۶۰۵)، آلمان (۱۶۱۳)، مادرید (۱۶۲۲) و استکهلم (۱۶۲۴) رواج یافت.

در ابتدای پیدایش این کیفر، یکی از دلایل روی آوردن به آن، جبران نیروی کار در اثر کاهش جمعیت بود که کشورهای اروپایی و به ویژه انگلستان با آن مواجه بودند. جمعیت این کشورها در اثر جنگ و طاعون و امثالهم در طی سده‌های گذشته کاهش یافته بود. کاهش جمعیت و به تبع آن کاهش نیروی کارگر به کسانی که امر تولید را در دست داشتند، لطمه بزرگی وارد آورد. در این شرایط، کارگران قدرت چانه‌زنی فراوانی پیدا کردند. دولت نیز در زمینه افزایش جمعیت اقدامات فراوانی انجام داد. از جمله به مادران ازدواج‌نکرده حق مطالبه غرامت از پدر بچه و حتی هزینه آبستنی را اعطا نمود. کلیسا و دولت با هدف جلوگیری از انجام نوزادکشی از اعمال مجازات زنا علیه مادران ازدواج‌نکرده ممنوع شدند. سوگواری یک‌ساله زنان بیوه ممنوع شد. کاهش نیروی کار در این شرایط به حدی بود که دولت انگلستان ارتش را با نیروی مجرمان تقویت کرد و قضات با همکاری زندانبانان، مجرمینی را که بنیه قوی‌تری داشتند برای خدمت در نظام به سربازخانه‌ها گسیل می‌کردند و اگر این مجرمین در طول خدمت مرتکب جرم یا بدرفتاری می‌شدند، برخورد خاص و ملایم‌تری با آنها داشتند؛ تا حدی که اعدام نمودن چنین مجرمانی ناعادلانه و غیرعقلایی دانسته می‌شد. مهاجرت و کوچ کارگران شدیداً ممنوع و با مجازات مرگ و زندان همراه بود.<sup>۱</sup> بر همین اساس بود که در سال ۱۸۴۸ زندان‌های کار اجباری به تدریج پدیدار شدند. در پورتلند، زندانبان سنگ استخراج می‌کردند، جاده‌ها و ریل‌های قطار برای نیروی ارتش مرمت کرده و در کارخانه‌های صنعتی مشغول به کار بودند. بسیاری از کیفرهای نوین با هدف کمک به چرخه توسعه صنعتی پدیدار شدند و در ایجاد بسیاری از مظاهر تمدن جدید از نیروی کار محکومان استفاده فراوانی به عمل آمد. پروژه بزرگی چون کانال سفید (بین

1. Rusche and Kirchheimer, op. cit., pp. 29-32.

اقیانوس منجمد شمالی و دریای بالتیک) با نیروی کار محکومان به اعمال شاقه عملی شد.<sup>۱</sup>

گسترش زندان‌های خصوصی نیز که خود در حال تبدیل به یک تجارت پُرسود بود، سبب می‌شد تا صاحبان آن برای افزایش سود، افزون بر به‌کارگیری نیروهای غیرمتخصص و ارزان‌قیمت، توجه ویژه‌ای به ورود زندانیان تحت کنترل به کارهای صنعتی داشته باشند. هرچند امروزه در جامعه سرمایه‌داری کار اجباری منسوخ شده، اما کار در زندان همچنان جریان داشته و بالغ بر نیم میلیون نفر در زندان‌های آمریکا مشغول کارند؛ یعنی بیش از بسیاری از صنایع بزرگ و سودآور موجود در جامعه آمریکا. کمبود دائمی نیروی کار در ایالات متحده، از گذشته تا امروز، به ندامتگاه‌ها این امکان را می‌داد که همانند یک واحد اقتصادی به گونه‌ای عمل نمایند که در جای دیگر ممکن نبود. زندانیان در این ایالات به کار گرفته می‌شدند و در قسمت‌هایی از این کشور زندان‌ها به کارخانه‌هایی برای تولید کالاهای سودآور تبدیل شدند.

از اوایل قرن نوزدهم با افزایش سود در زندان‌ها، صنایع زندان در آمریکا توسعه یافت. بزرگ‌ترین تغییر در فاصله میان جنگ اول و دوم، کاهش سریع زندانیان استخدام‌شده در صنایع زندان بود. مخالفت با کار زندانیان به دلیل رقابت غیرعادلانه‌ای بود که میان زندانیان و کارگران آزاد وجود داشت. در سال ۱۹۲۹، آمریکا کنگره قانون هاوس-کوپر<sup>۲</sup> را تصویب نمود که به ایالت‌ها اجازه می‌داد تا فروش کالاهای ساخته‌شده در زندان ایالت دیگر را در محدوده خود ممنوع نماید. قانون اشورت سامرز<sup>۳</sup> در سال ۱۹۳۵ با ممنوع نمودن شرکت‌های حمل‌ونقل از قبول نمودن محصولات ساخت زندان

۱. نویمار، آنتوان، دیکتاتورها بیمارند، ترجمه علیرضا میناگر، چاپ اول، تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۵، ص. ۴۳۸.

2. Howes-Cooper Act.

3. Ashurt Summers Act.



برای فروش در سایر ایالات و الزامی نمودن برچسب برای تمامی محصولات زندان، قانون پیشین را مستحکم‌تر کرد.<sup>۱</sup>

مرگ صنایع زندان در آمریکا، در خلال سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳، دقیقاً بدان خاطر بود که قانون‌گذاران ایالتی در قبال بیکاری کارگران آزاد واکنش نشان دادند. بیست‌ونه ایالت قوانینی تصویب نمودند که فروش محصولات زندان را به استفاده دولتی محدود می‌نمود. کارکرد تصویب این قوانین حذف «صنایع زندان» و انتقال آن به عملکردهای گذشته آن یعنی تنبیه در زندان بود.<sup>۲</sup> به همین دلیل می‌توان گفت که یکی از علل برگشت به سیاست‌های تنبیهی، مخالفت با تولید محصولات زندان در نظام سرمایه‌داری بود که پیامد قهری آن سکوت، خاموشی و غم‌زدگی فضای زندان است. همین نظام که روزی زندان را به مثابه ابزاری در خدمت اهداف سرمایه‌داری می‌دید، در تحولات خود مانع فعالیت زندان‌های کارخانه‌گون شد.

در انگلستان نیز کمیته گلدستون پیشنهاد نمود که کارهای بی‌فایده مانند چرخ‌های هندلی و رکابی باید لغو شده و اصل کار در مؤسسات که مدت زیادی در واحد مرکزی اعمال می‌شد، باید در زندان‌های محلی گسترش پیدا نماید. استدلال کمیته آن بود که در شرایط مناسب، مؤسسه‌های کار صنعتی که به دور از انزوا هستند، بهداشتی‌تر بوده و وظیفه ایجاد کار صنعتی در زندان را راحت‌تر می‌نمایند.<sup>۳</sup> در پی این گزارش، قانون زندان ۱۸۰۸ به طور عمده با تغییراتی در ماهیت کار زندان همراه شد.

شگفت آنکه با پیشرفت‌های تکنولوژیک در ساخت و طراحی کشتی‌های دریانوردی در اوائل قرن هجدهم، مجازات‌هایی مانند پارو زنی متروک شده و جای آن را کار

۱. روت، میچل، تاریخ عدالت کیفری، ترجمه ساناز الستی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، صص. ۱۵۶-۱۵۷.

۲. همان، ص. ۱۵۷.

۳. ادواردز، امی؛ و ریچارد هرلی، «تحولات زندان‌های انگلستان در دو سده اخیر»، ترجمه حمید بهره‌مند بگ‌نظر، در: تازه‌های علوم جنائی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص. ۸۹۵.

اجباری گرفت.<sup>۱</sup> همین رویه در مورد سایر کیفرها نیز دیده می‌شود. با طلوع قرن بیستم مجازات‌های مندرج در قوانین اروپایی و تا حدودی هم آمریکا تأثیر مستقیم‌شان را، بر اینکه همانند یک واحد اقتصادی عمل نمایند، به علت پیشرفت‌های تکنولوژی و رقابت‌های بازار آزاد از دست دادند.

## ۲-۲. تبعید (انتقال محکومان به مستعمرات)

کیفر تبعید مدت‌ها پیش، قبل از صنعتی شدن، در تمام دنیا به عنوان کیفری رایج شناخته شده بود. در رم باستان، این کیفر فقط برای مخالفان سیاسی که اغلب از طبقه اشراف و قدرتمندان بودند، اعمال می‌شد. این رسم تا قرون وسطی خاص همین طبقه بود، ولی دادگاه‌های تفتیش عقاید و بعضی دادگاه‌های دیگر این حکم را درباره هرکسی از هر طبقه که بنای مخالفت می‌گذاشت، صادر می‌کردند. در آغاز عصر نوین اروپا، نفی‌بلد به شکل حاشیه‌نشینی درباره شهروندان اجرا می‌شد و محکومان صرفاً به خارج از دروازه‌های شهر رانده می‌شدند. در هلند مجازات جرایمی مانند زنا، چندهمسری و اختیار همسر موقت، پنجاه سال تبعید بود، هرچند به ندرت انجام می‌شد. البته این کیفر با آنچه بعدها به نام تبعید به مستعمرات ابداع گردید، از این جهت متفاوت بود که در گذشته پشتوانه فکری این کیفر اهداف اقتصادی نبود و صرفاً به عنوان راه‌حلی برای خلاصی از شر محکومان در نظر گرفته می‌شد.

کیفر تبعید یا انتقال محکومان به مناطق مستعمره برای آبادانی و بهره‌گیری از نیروی کار آنها تأسیس جدیدی بود که در پرتو صنعتی شدن به بار نشست و لاجرم انگیزه‌های اقتصادی نقش مؤثری در پیدایش آن داشت. انتقال محکومان و یا تبعید به مستعمره‌ها در سال ۱۶۱۵ توسط «جیمز اول» به عنوان راهی برای نجات انگلستان از شر گروه‌های محکومان و گدایان سمج ارائه شد. البته وی این کیفر را ابتدا به عنوان مجازات مخصوص درباریان برقرار نمود. در اعلامیه جیمز اول درباره کیفر تبعید آمده بود که محکومان باید بدون چون‌وچرا خدمات شایان و سودمندی را به کشور انجام

۱. موریس، نورال؛ و دیوید روتمن، سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب، ترجمه پرتو اشراق، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۵.

دهند. یکی از این خدمات، کاراجباری یا بیگاری در مستعمرات دوردست و بد آب‌وهوای انگلستان بود. این گروه از بزهکاران برای اینکه آزاد و رها باشند به مکان‌های ناشناخته فرستاده نشدند بلکه برای انجام خدمات پُرمفعت اعزام شدند. بین سال‌های ۱۷۷۶-۱۷۱۸ نزدیک به سی‌هزار محکوم بریتانیایی که به مستعمرات آمریکایی تبعید شدند، برای کاشتن درختان در مریلند و ویرجینیا به کار گرفته شدند. در جریان سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی زمین‌های بسیاری در مستعمره‌ها وجود داشتند که نیاز به کار بر روی آنها بود؛ به همین خاطر از کیفر بارکشی و حمالی برای توسعه این نواحی استفاده می‌شد.<sup>۱</sup>

بنابراین، ایجاد و گسترش مجازات تبعید از یک تفکر و الگوی اقتصادی تبعیت می‌کرد و با ملاحظات فایده‌گرایانه توجیه می‌شد. زیرا، «از قرن شانزدهم میلادی تا اواسط قرن نوزدهم دسترسی به منطقه‌های بزرگی از زمین‌های دست‌نخورده در مستعمرات همراه با نیاز شدید به محصولات کشاورزی، کمبود نیروی کار را به وجود آورد و تبعید محکومین به مستعمرات یک پاسخ آشکار به آن محسوب می‌شد.»<sup>۲</sup> بدین‌سان، هرچند مجازات تبعید ظاهراً جایگزینی برای داغ زدن بر محکومان، به دار آویختن، قطع عضو و اعدام بوده و از این‌رو، نقطه عطفی در عملکرد عدالت کیفری محسوب می‌شد، اما هدف اصلی آن تأمین نیروی کار مورد نیاز برای مستعمرات در حال توسعه بود. نیاز به نیروی کار در این مستعمره‌ها جرم جدیدی را هم خلق نمود که آدم‌ربایی و بچه‌دزدی به قصد فروش و برده نمودن در مستعمرات بود. همین نیاز باعث روی آوردن انگلیسی‌ها در ایالات متحده به بردگان سیاه‌پوست و آغاز برده‌داری در آمریکا شد.

اما طرفداران مجازات تبعید در آن زمان، تبعید را فرصتی برای اصلاح مجرمین از طریق کار و سکونت در شرایط سخت مستعمرات می‌دانستند. برخی به چنین انگیزه بشردوستانه‌ای مشکوک بوده و قدرت بدنی مجرمان، و نه قابلیت اصلاح‌پذیری آنها، را

۱. یان، پیشین، ص. ۲۰۸.

2. Rusche and Kirchheimer, op. cit., p. 62.

تنها دلیل توجیه‌کننده این مجازات می‌دانستند؛ مخالفت مستعمره‌نشین‌های آمریکایی با این مجازات از سر دلسوزی یا احساسات انسان‌دوستانه نبوده، بلکه گسترش تجارت بردگان سیاه‌پوست از آفریقا، که نیروی کار ارزان‌تری را در اختیار آنها قرار می‌داد، باعث مخالفت آشکار با این مجازات شد. حتی بعدها نیز لغو برده‌داری بیشتر در سایه پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیک صورت گرفت؛ وگرنه تا زمانی که ابزاری برای انسان ارزان‌تر از حیوانات و برده‌ها وجود نمی‌داشت، برده‌داری هم ادامه پیدا می‌کرد.<sup>۱</sup>

با این حال، نمی‌توان ادعای مزبور را تمام و کمال پذیرفت و نقش آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبانی را که از همان آغاز پیدایش تبعید بنای مخالفت با آن گذاشتند، در لغو این مجازات نادیده گرفت. رونه برونزه، یکی از اصلاح‌طلبان مشهور، کیفر تبعید را «گیوتین بدون خون» نامید، زیرا چیزی که در اصل فراموش شده بود، رفتار انسانی با محکومان تبعیدی بود. بنتام نیز از مخالفین سرسخت این کیفر بود و آن را تاوان مضاعف برای ارتکاب جرم می‌دانست.<sup>۲</sup> سرانجام انقلاب آمریکا و جنگ استقلال در دهه ۱۷۷۰ به این مجازات پایان داد و زندان، که به موازات تبعید به مستعمرات ایجاد شده بود، جایگزین تبعید شد. لغو تبعید در انگلستان هم توجیه اقتصادی و هم توجیه سیاسی داشت، زیرا مقامات دولت و وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به این نتیجه رسیده بودند که کار تبعید محکومان بی‌آنکه درآمدی داشته باشد، هزینه‌های کمرشکنی بر دولت تحمیل می‌کند و خزانه‌داری انگلستان دیگر قادر به پرداخت این نوع مخارج نیست. از حیث سیاسی نیز پیوستن محکومان در مستعمره آمریکا به نیروهای مبارز و مخالف استعمار یکی از دلایل لغو این کیفر بود.<sup>۳</sup>

### ۲-۳. کیفرهای مالی

کیفرهای مالی که در قالب جریمه نقدی، ضبط و مصادره اموال از روزگاران دور در نظام‌های کیفری دنیا وجود داشته، در دوران پس از صنعتی شدن (و به‌ویژه در دوران

۱. هاینبرگ، ریچارد، «فناوری در خدمت انسان یا انسان در خدمت فناوری»، مجله سیاحت غرب، شماره ۸۹، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۲.

۲. موریس و روتمن، پیشین، صص. ۴۶۸-۴۶۷.

۳. همان، صص. ۲۴۸-۲۴۶.

معاصر) به یکی از کیفی‌های مهم تبدیل شدند. یکی از دلایل مهم گرایش به این نوع کیفی‌ها در نظام‌های مدرن، تأثیر دیدگاه‌های اقتصادی در زمینه کاهش میزان هزینه‌های نظام عدالت کیفری بوده که بار دیگر ارتباط میان اقتصاد سیاسی و حقوق کیفری را به نحو آشکاری نشان می‌دهد. پول نقش مهمی در این میان ایفا می‌کند. بی‌گمان، یکی از علل عمده گرایش نظام کیفری به مجازاتی چون جزای نقدی به ماهیت و نقش پول در جوامع مدرن بازمی‌گردد. آنتونی گیدنز پول را یکی از نشانه‌های نمادین جوامع مدرن می‌داند. منظور وی از نشانه‌های نمادین، ابزارهای تبادلی است که بدون توجه به ویژگی‌های افراد یا گروه‌های استفاده‌کننده می‌تواند آنان را به گردش درآورد. پول از این نشانه‌های نمادین است، زیرا هرکس که نشانه‌های پول را به کار می‌برد، فرض می‌کند که دیگران، که او شاید هرگز ملاقات‌شان نکند، ارزش این نشانه را به رسمیت می‌شناسند. قبل از رواج پول، به مفهوم مدرن آن در اروپا، کیفر جزای نقدی از جمله کیفی‌هایی بود که تنها ثروتمندان از پس آن برمی‌آمدند و چندان شایع نبود، اما بعد از انقلاب صنعتی این مجازات نفوذ و قدرت بیشتری پیدا کرده و بسیاری کیفی‌های بدنی در پرتو رواج جزای نقدی از میان رفتند.

مهم‌ترین پیامد انقلاب صنعتی را شاید بتوان به نقش پول در اقتصاد اختصاص داد. در اثنای انقلاب صنعتی نخبگان جامعه از اتکای اولیه به قدرت سطح پائینی که خشونت ایجاد می‌کرد به قدرت سطح متوسطی که پول به دست می‌دهد تغییر موضع دادند. از پول هم برای تنبیه و هم برای تشویق استفاده می‌کردند، زیرا برای کسب قدرت، ابزاری روان‌تر و انعطاف‌پذیرتر است. به تعبیر آلوین تافلر، «برده‌دار یا ارباب فئودالی به‌سختی باور می‌کند و حتی متعجب می‌شود، وقتی می‌بیند که کارگران را کمتر کتک می‌زند و آنها بیشتر تولید می‌نمایند. قدرت و قانون هر دو امروزه این استفاده آشکار از زور را در جهان نوین مهار کرده‌اند.»<sup>۱</sup> البته تافلر توضیح می‌دهد که این کاهش خشونت در اقتصاد تنها از صدقه‌سر نیکوکاری مسیحی یا نوع‌دوستی نجبا به دست نیامده و خشونت اصلاً ناپدید نشده، بلکه با تبدیل شدن پول به برانگیزنده اصلی

نیروی کار و ابزار اصلی کنترل اجتماعی در طول حیات سیمصدساله صنعت، شکل و کارکرد خشونت تغییر یافته است. این بحث تافلر مشابه بحثی است که فوکو درباره مجازات و تغییر شکل آن از مجازات‌های بدنی به حبس و مجازات‌های اجتماعی دارد. پیدایش دولت ملی صنعتی همراه با انحصاری کردن سیستماتیک خشونت و تصعید آن به شکل قانون و وابستگی شدید جمعیت به پول سبب شد تا جوامع صنعتی بتوانند از تعدیل خواسته‌های خود به جای زور از ثروت استفاده کنند.

نقش پول در جهش به دنیای مدرن به پیش‌تر باز می‌گردد. گئورگ زیمل، که فراگیرترین و پیچیده‌ترین شرح پیوندهای مدرنیت و پول را بدست داده است، از میان همه جنبه‌های مدرنیت، شیفته اهمیت نمادین پول و کالا شده بود. وی در این زمینه می‌نویسد: «اقتصاد پولی، مدام میان شخص و شیء خاص ارزش پولی را حائل می‌کند. ارزشی که کاملاً عینی و ذاتاً فاقد هرگونه کیفیت است. این اقتصاد با واسطه شدن میان شخص و دارایی، فاصله گرفتن از آنها را از یکدیگر سرعت می‌بخشد و عناصر شخصی و محلی را که قبلاً به شدت به هم وابسته بودند، چنان از یکدیگر جدا می‌کند که شخص بتواند درآمد حاصله از آفریقای جنوبی را در برلین دریافت نماید. این نوع دارایی از راه دور که ما امروزه بدیهی می‌انگاریم، از زمانی میسر شد که پول، هم به عنوان عاملی پیونددهنده و هم به عنوان عاملی جداکننده میان مالک و ملک قرار گرفت. زمانی که در انگلیس از قرن سیزدهم به بعد اجازه داده شد که دستمزد کارگران و سربازان را با پول پرداخت کنند، گامی بزرگ به سوی آزادی برداشته شد. همچنین یکی از گام‌هایی که برای آزادی دهقانان برداشته شد، این بود که به آنان اجازه داد یا به واقع از آنان خواست که بیگاری موظف و تعهدات کالایی خود را به شکل مالیات پول بپردازند. نشانیدن مالیات پولی به جای ارائه خدمات، بلافاصله فرد را از سیطره بندگی و اسارت آزاد کرد. مالک دیگر حق استفاده از عمل شخصی و مستقیم فرد را نداشت، بلکه چشم به نتیجه غیرشخصی چنان عملی دوخته بود. با پرداخت پول، شخص دیگر خود را

عرضه نمی‌کند، بلکه چیزی را می‌دهد که هیچ رابطه شخصی با او ندارد.<sup>۱</sup> برخی نیز نقش پول را در پدید آمدن رنسانس بیشتر از عوامل دیگر دانسته و این که پول سرچشمه همه تمدن‌هاست و این پول بانکداران، بازرگانان و حتی کلیسا بود که هزینه نسخه‌های خطی را تامین کرد و ادبیات کهن را احیاء نمود.<sup>۲</sup>

برخلاف دوران معاصر که صرفاً جرایم خلافی و کم‌اهمیت با پرداخت پول مجازات می‌شوند، در برخی نظام‌های حقوقی قدیم مجازات ارتکاب جنایات سهمگین جریمه نقدی بود. علت چنین تفکری را منتسکیو در اثر مشهور روح‌القوانین توضیح می‌دهد. وی می‌نویسد: «اجداد ما فقط جزای نقدی را مقرر می‌داشتند، زیرا این مردمان آزادمنش و سلحشور این‌طور فکر می‌کردند که خون‌شان غیر از موقع جنگ نباید ریخته شود، مگر وقتی که سلاح در دست دارند.»<sup>۳</sup> از قرن هفدهم به بعد مردمان می‌توانستند مکافات معصیت دینی را با پول پرداخت نمایند، در حالی که نظام‌های حقوقی مدرن جرایم مالی را به خطاهای نسبتاً کم‌اهمیت محدود کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده بی‌اهمیت شدن پول نیست، بلکه برعکس کاملاً ناشی از گسترش یافتن آن است. اگر در جوامع بدوی برای تاوان قتل نفس پول پرداخت می‌کردند، این امر به دو دلیل بود؛ یکی آنکه فرد و ارزش فردی هنوز شناخته نشده بود و هنوز مانند ایام بعد احساس نمی‌شد که انسان موجودی بی‌مثال و جان‌نشین ناپذیر است. دوم آن که پول هنوز آنقدرها بی‌رنگ نشده بود که بر هر نوع معنای کیفی غلبه نماید. تفکیک فزاینده آدمیان و به موازات آن بی‌رنگی فزاینده پول به هم رسیدند و مجازات قتل نفس با جریمه نقدی را غیرممکن ساخت.<sup>۴</sup>

۱. زیمل، گئورگ، پول و فرهنگ مدرن، ترجمه یوسف ابادری، فصلنامه ارغنون، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۳، ص. ۳۳۰.

۲. پیمان، حسین، آینه: اقتصاد و مدیریت در آینه تاریخ مکتوب ایران، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات وثقی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۲.

۳. منتسکیو، شارل، روح‌القوانین، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهتدی، جلد اول و دوم، چاپ دهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱، ص. ۳۰۷.

۴. زیمل، پیشین، ص. ۳۳۲.

امروزه در غرب حتی صحبت از بیمه در پرداخت جریمه به جای زندان برای مجرمین است؛ ورشکستگی مجرم او را مجبور به زندانی کردن می‌نماید، بیمه می‌تواند این مشکل را حل نماید. مخالفان بیمه جرم بیم آن دارند که بیمه سبب شود که مجرمین جرئت و جسارت بالاتری پیدا کرده و دست به ارتکاب جرایم بیشتری بزنند، به این دلیل که مجازات بر بیمه‌گر تحميل خواهد شد و همین امر هدف بازدارندگی مجازات را به شدت تضعیف می‌کند.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد هرچند در جرایم غیر عمدی بتوان با پوشش بیمه برای ارتکاب جرم موافق بود و قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه و مسئولیت ناشی از فعل دیگری در حقوق عرفی و ضامن جریره در فقه را جلوه‌هایی از آن دانست، اما این ایده در جرایم عمدی به لحاظ حاکمیت اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری و جاذبه اخلاقی قانون نمی‌تواند به راحتی مورد پذیرش قرار گیرد. مجازات و تاوان در جرایم عمدی که شهودها و قضاوت‌های اخلاقی جامعه را برمی‌انگیزد، با پرداخت پول قابل معامله و چانه‌زنی نیست.

#### ۲-۴. سلب اوقات فراغت

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از جمله مفاهیم مدرن و نوینی است که مبنای واقعی خود را پس از دوران صنعتی شدن و به ویژه به دنبال اصل همزمان‌سازی در جوامع صنعتی پیدا نمود. در واقع، با توسعه انواع تکنولوژی در زندگی مردم و جایگزینی آن به جای نیروی انسانی عملاً فرصتی فراهم شد که انسان‌ها بتوانند از اوقات خود، به آن صورتی که مورد دلخواهشان باشد، استفاده نمایند. رشد صنعتی شدن بر پایه نظام سرمایه‌داری نگرش به اوقات فراغت را از آنچه در دوره کهن و جامعه ماقبل سرمایه‌داری با آن مواجه بوده تغییر داد. در دوره پیشامدرن، اوقات فراغت جزئی از زندگی فرهنگی و مذهبی بوده و اساساً تفکیک کار از اوقات فراغت مفهوم نداشت و به سان دوران صنعتی اوقات فراغت در مقابل کار قرار نمی‌گرفت، اما در دوران جدید به تدریج اوقات فراغت در مقابل کار قرار گرفت. وانگهی، با گسترش صنعتی شدن، اوقات

۱. کوتر، رابرت؛ و تامس یولن، حقوق و اقتصاد، ترجمه یدالله دادگر و حامد اخوان هزاوه، چاپ اول، همدان، انتشارات نور علم، ۱۳۸۸، صص. ۶۲۵-۶۲۴.



فراغت امری طبیعی و ضروری بود و بعدها ظهور و گسترش دولت‌های رفاه به نهادینه شدن اوقات فراغت مدد بسیار رساند. تنها زندگی شغلی در جوامع صنعتی دچار همزمان‌سازی نشد، بلکه زندگی اجتماعی هم دستخوش ساعت‌گرایی شد و خود را با شرایط ماشینی تطبیق داد. ساعات معینی برای تفریح و اوقات فراغت کنار گذاشته شد و تعطیلات یا ساعات تنفس استاندارد در زمان‌بندی کار با فواصل معین پیش‌بینی شد. حتی می‌توان گفت که پدیده‌ای به نام اوقات فراغت از دستاوردهای تمدن صنعتی است که بی‌تأثیر در ورود برخی کیفی‌های مدرن نیست.<sup>۱</sup>

در بررسی مفهوم اوقات فراغت باید تحولاتی را دنبال کرد که در ماهیت کار و نظام‌های تولیدی اتفاق افتاده است. بی‌گمان، وقتی که از اوقات فراغت صحبت می‌شود سخن از ارزشمندی این اوقات است، زیرا این اوقات بستری مناسب برای رشد شخصیت و اعتلای وجود و یا زمینه همواری است برای بروز اختلالات رفتاری، انحرافات فکری و بزهکاری‌های اجتماعی. اهمیت اوقات فراغت و مرخصی<sup>۲</sup> به‌ویژه در دوران متأخر به حدی برای انسان صنعتی شده حایز اهمیت است که سلب این اوقات برایش به هزینه گزاف تمام می‌شود و حاضر نیست، به تعبیر عامیانه، از تعطیلات خود چشم‌پوشی نماید. امروزه در جوامع مدرن سیاست‌گذاران جنایی با آگاهی از اهمیت اوقات فراغت، سلب آن را به عنوان یک ضمانت‌اجرای کیفری در قوانین خود در قالب تأسیساتی از جمله حبس‌های آخر هفته پیش‌بینی نموده‌اند و به خوبی به این توصیه منتسکیو در

۱. تافلر، پیشین، صص. ۷۱-۷۰.

۲. پیشینه کاربرد واژه مرخصی به معنای تعطیلات شخصی به دهه ۱۸۷۰ می‌رسد؛ فعل در مرخصی بودن (to vacation) از اواخر دهه ۱۸۹۰ رواج یافت. به مرخصی و تعطیلات رفتن در مفهوم مدرن خود به صورت تقلیدی بورژوازی از طبقه اشراف آغاز شد که از دربار و شهر به گوشه عزلت یا کنج خلوتی در زمین‌های بیرون شهر پناه می‌بردند. از آنجا که شمار اندکی از مردان و زنان بورژوا مالک مستغلات روستایی بودند، به جای آن پاتوق‌ها و تفرج‌گاه‌ها به کنار دریا یا کوهستان می‌رفتند. گریختن از فضای شلوغ شهرها خیلی زود به رسمی محبوب و همه‌گیر تبدیل شد و اختراع راه‌آهن و اتومبیل هم به گسترش آن کمک فراوان نمود. ر. ک:

- والز، مایکل، حوزه‌های عدالت: در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ترجمه صالح نجفی، چاپ اول، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۹، صص. ۳۲۲-۳۰۷.

روح‌القوانین پی برده‌اند که: «برای قانون‌گذار خوب عوامل کوچک می‌تواند وسیله وضع کیفرهایی بشود و احتیاج به عوامل بزرگ نیست.»<sup>۱</sup>

با نگاهی به تعریف کشورهای مختلف از اوقات فراغت، می‌توان به تفاوت‌های عمده در نگرش به اوقات فراغت در این کشورها و نحوه گذران و برنامه‌ریزی برای آن پی برد. پیدایش این مفهوم که در بطن نظام صنعتی شکل گرفته و توسعه پیدا نمود، در همین بافت فرهنگی هم معنا پیدا می‌نماید؛ بنابراین برداشتی که از اوقات فراغت در کشورهای صنعتی می‌شود با نمونه آن در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته چندان مشابهتی ندارد. برای نمونه، در کشور ایران به این دلیل که مفهوم‌سازی مُدرنی در باب اوقات فراغت صورت نگرفته و این عنوان بیشتر نمادی از سرگرمی و تفریح را تداعی می‌کند، لذا از دست دادنش تأثیر فراوانی بر زندگی شهروندان ندارد. ایرانیان بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و به انجام کارهای عقب‌مانده، نظافت، مهمانی‌رفتن و تماشای تلویزیون سپری می‌نمایند. بنابراین، آن اهمیت و ارزشی که اوقات فراغت در یک جامعه صنعتی دارد، در ایران نمی‌تواند پیدا نماید. پس آن دسته از کیفرها که در صدد سلب این اوقات به عنوان کیفر هستند، به دلیل بافت فرهنگی جامعه ایران محمل و مبنای توجیهی ندارند؛ چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی‌های فرهنگی و میزان توسعه‌یافتگی آن جامعه است. در جامعه کنونی ایران، هنوز مفهوم اوقات فراغت درست در مقابل مفهوم کار، آن‌گونه که بعد از صنعتی شدن و رشد نظام سرمایه‌داری بود، قرار نگرفته است. بنابراین نمی‌توان امیدوار بود که کیفرهایی چون مراقبت الکترونیکی، زندان نیمه‌باز، اقامت اجباری در منزل در ساعات معین، صرف‌نظر از هزینه‌های گزاف‌شان، همچون کیفر زندان<sup>۲</sup> در نظام کیفری

۱. منتسکیو، پیشین، ص. ۱۹۹.

۲. در ایران نیز از نخستین پیامدهای صنعتی شدن، تأسیس زندان به شیوه مدرن بود. نخستین مقرراتی که درباره زندان‌ها وضع شد، نظام‌نامه محابس و توقفگاه‌ها در سال ۱۲۹۸ ه.ش است. طبق اسناد موجود، زندان‌سازی از سال ۱۳۰۴ در ایران آغاز شده و همگام با این تحول قوانین مربوط به آن نیز تدوین گردید. از آن تاریخ تاکنون صنعت به تدریج جایگاه خود را در نظام کیفری ایران باز کرده و آخرین نمود آن را می‌توان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشاهده کرد که متأثر از تحولات صنعتی نهادهایی چون

ایران کارایی درست و مناسبی داشته باشند. این مشکل در زمینه مجازات‌های اجتماعی نیز وجود دارد. یکی از اهداف این کیفرها، همان‌گونه که از نام آن پیداست، اجرای مجازات در بستر جامعه بوده و طبیعی است که اعمال آنها منوط و وابسته به دو عنصر اعتماد و مشارکت اجتماعی است. ارزیابی یسترهای اجتماعی و فرهنگی این قبیل ضمانت‌اجراها موضوعی است که کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری در ایران قرار گرفته است. در ایران به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی، که مهم‌ترین بستر اجتماعی این کیفرهاست، و کاهش اعتماد و مشارکت عملاً اجرای این نوع کیفرها ناتمام مانده است؛ تحقیقات انجام‌شده در باب میزان سرمایه اجتماعی حکایت از پایین بودن شاخص‌های سرمایه اجتماعی و سطح مشارکت اجتماعی در ایران دارد.<sup>۱</sup>

سرانجام باید خاطر نشان کرد که صنعتی شدن فقط مجازات‌ها را متحول نکرد، بلکه نظام اثبات جرم را نیز کاملاً دگرگون نمود. پیش از دهه ۱۸۸۰ میلادی، هیچ روش کارآمد طبقه‌بندی شده یا مرجع تشخیص بزهکاران وجود نداشت. مجموعه‌های بزرگ عکس مجرمان در بسیاری از مراکز پلیس گردآوری شده بود، ولی میزان زیاد این مجموعه‌ها مانع از کاربردی بودن آن می‌گردید. نیروهای پلیس نخستین بار از گالری-های عکس مجرمان در نیویورک (۱۸۵۸)، مسکو (۱۸۶۷) و پاریس (۱۸۷۴) استفاده نمودند و استفاده از عکاسی در صحنه جرم نیز اولین بار در سال ۱۸۶۰ در سوئیس صورت گرفت و سپس به سرعت به دیگر کشورهای جهان راه پیدا کرد.<sup>۲</sup> شواهد تاریخی فراوانی نشان می‌دهد که چگونه تکنولوژی ساخته دست بشر نقش قدرتمند، بی‌بدیل و غیرقابل‌انکاری در تحولات حقوق کیفری ایفا کرده است. ناگفته پیداست که تأثیر این صنعت به ویژه در نظام‌های کیفری عرفی به مراتب بیش از نظام‌های کیفری مبتنی بر شرع بوده است.

حبس الکترونیکی، مجازات‌های جایگزین حبس، جزای نقدی روزانه، نظام نیمه آزادی و ... را پیش‌بینی کرده است.

۱. زینالی، امیرحمزه، «سرمایه اجتماعی، بستری برای اعمال کیفرهاى اجتماع‌محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷، صص. ۵۰-۳۴.

۲. روت، پیشین، صص. ۳۹-۲۸.

### نتیجه‌گیری

دگرگونی کیفرها و افول و ظهور مجازات‌های جدید در عصر مدرن، آن‌سان که پژوهش مذکور نشان می‌دهد، بیش از آنکه معلول تفکرات فلسفی محض باشد، زائیده تحولات صنعتی است. تولد کیفرهایی چون حبس و جزای نقدی و تغییر شکل و بعضاً نسخ خیلی از کیفرهای قدیمی مانند شلاق کاملاً مرتبط با فرایند صنعتی شدن و از پیامدهای ناگزیر آن بوده است. شماری از کیفرهای دو قرن اخیر در بستر صنعتی شدن و نظام سرمایه‌داری به بار نشستند و بسیاری از کیفرهای قدیمی نیز با ورود تکنولوژی به افسانه تبدیل شدند. مثلاً زمانی که نیاز شد تا افرادی بر روی کشتی‌ها و قایق پاروئی نمایند، کیفرهای شدید بدنی و مجازات اعدام از بین رفت؛ زمانی که علت کمبود نیروی کار اردوگاه‌های کار اجباری تأسیس شد و روزگاری نیز به دلیل افزایش تقاضای کار، کیفر تبعید که در ابتدا وسیله تأمین کارگر در مستعمرات آمریکا بود، پایان پذیرفت. جریمه نقدی هم به همین منوال به دلیل درآمدزایی‌اش در همه‌جا عمومیت پیدا کرد. وانگهی، ورود تکنولوژی در تحول ماهیتی کیفرها مانند انسانی کردن اجرای آنها و کاستن از درد و رنج مجرمان نیز دخیل بوده است.

هرچند حقوق کیفری نظام‌یافته امروزی ریشه در تحولات فکری و فلسفی قرن هجدهم دارد، اما نباید از نقش انقلاب صنعتی و صنعتی شدن در رشد و توسعه آن غافل ماند. به همین دلیل در بررسی تحولات سیاست جنایی، افزون بر یافته‌های جرم‌شناسی و تأثیر آموزه‌های علمی، باید سهمی را برای صنعت و تکنولوژی در نظر گرفته و از نقش قدرتمند آن غافل نشد. صنعت و فعل و انفعالات حاکم بر آن، گونه‌های جدیدی از ضمانت‌اجراهای کیفری را عرضه کرده که مسبوق به سابقه نبودند و نسخه‌هایی از کیفر را نسخ نموده که پیشینه دور و درازی داشته‌اند و افزون بر اینها، نظام اجرای کیفرهایی چون اعدام و حبس را به‌شدت متحول ساخته است. استفاده از جرثقیل در اجرای کیفر اعدام، کاربست حبس و دستبند الکترونیکی به عنوان بدیلی برای زندان‌های سنتی و تشکیل پلیس و دادسرای سایبری جهت مبارزه با جرایم رایانه‌ای و مخابراتی نمونه‌های برجسته‌ای از تأثیر صنعت بر نظام عدالت کیفری ایران

است. این روند انقباضی و انبساطی همواره ادامه داشته و امروزه حتی بیش از گذشته، صنعت‌گرایی بر نظام کیفی معاصر سایه انداخته و مجازات‌هایی متناسب با فن‌آوری‌های نوین (به عنوان مثال، مراقبت الکترونیکی) پدید آورده است. بی‌گمان، این تحولات در کنار گذار از کیفی‌های سنتی به کیفی‌های مدرن چالش‌های فراوانی را از منظر حقوق بشری در پی داشته که می‌توان به شایعه تعرض و محدودسازی حقوق شهروندی، نقض حریم خصوصی و خلوت شهروندان اشاره کرد. مسائلی که پرداختن به آنها مقال و مجال دیگری می‌طلبد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آشوری، محمد؛ و اسداله میرزایی، «حقوق کیفری و توسعه اقتصادی-- صنعتی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- ادواردز، امی؛ و ریچارد هرلی، «تحولات زندان‌های انگلستان در دو سده اخیر»، ترجمه حمید بهره‌مند بگ‌نظر، در: تازه‌های علوم جنائی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- اشن، تی. اس، انقلاب صنعتی، ترجمه احمد تدین، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.
- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- پیکا، جرج، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- پیمان، حسین، آیین: اقتصاد و مدیریت در آیین تاریخ مکتوب ایران، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات وثقی، ۱۳۷۹.
- تافلر، آلون، جابه‌جایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست‌ویکم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ نهم، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴.
- داب موریس، هربرت، مطالعاتی در زاد و ولد سرمایه‌داری، ترجمه حبیب الله تیموری، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن: آغاز عصر خرد، جلد هفتم، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، چاپ سیزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

- جعفری، مجتبی، جامعه‌شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- خلیلی، محسن، «تیین جریان صنعتی شدن در جهان صنعتی»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۷۴-۷۳، تیر و مرداد ۱۳۸۵.
- رشیدی، علی، «جنايات ناپيدای نظام سرمايه‌داری: پنهان‌مانده از دید «دست ناپيدای» آدم اسمیت»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸۲-۲۸۱، ۱۳۸۹.
- روت، میچل، تاریخ عدالت کیفری، ترجمه ساناز الستی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- زیمیل، گئورگ، پول و فرهنگ مدرن، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۳.
- زینالی، امیرحمزه، «سرمايه اجتماعی، بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷.
- صفاری، علی، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر)، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
- کوتر، رابرت؛ و تامس یولن، حقوق و اقتصاد، ترجمه یدالله دادگر و حامد اخوان هزاوه، چاپ اول، همدان، انتشارات نور علم، ۱۳۸۸.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
- لایون، دیوید، پسامدرنیته، ترجمه محسن حکیمی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آشیان، ۱۳۸۷.

- مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری اروپا، ترجمه حمیدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- منتسکیو، شارل، روح القوانین، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهتدی، جلد اول و دوم، چاپ دهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
- موریس، نورال؛ و دیوید روتمن، سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب، ترجمه پرتو اشراق، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۹۰.
- مالوری، فیلیپ، اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۸.
- مانور، جری، «منطق صنعتی: علم، تکنولوژی و محیط زیست»، مجله سیاحت غرب، شماره ۳۷، ۱۳۸۵.
- نویمار، آنتوان، دیکتاتورها بیمارند، ترجمه علیرضا میناگر، چاپ اول، تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۵.
- والز، مایکل، حوزه‌های عدالت: در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ترجمه صالح نجفی، چاپ اول، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۹.
- هاینبرگ، ریچارد، «فناوری در خدمت انسان یا انسان در خدمت فناوری»، مجله سیاحت غرب، شماره ۸۹، ۱۳۸۹.
- یان، مارشال، «جامعه‌شناسی مجازات»، ترجمه محمدعلی کریمی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۴.

- Garland, David, Punishment and Modern Society, A Study in Social Theory, Clarendon Press, Oxford, 1990.
- Kupchik, Aaron; and Torin Monahan, "The New American School: Preparation for Post Industrial Dicipiline", British Journal of Sociology of Education, Vol. 27, No. 5, November 2006.



- 
- Mckinlay, Alan, "Managing Foucault: Genealogies of Management", Management & Organization History, Vol. 1, 2006.
  - Mokyr, Joel, "Institution and Begining of Economic Growth in Eighteenth Centry Britain", 2008. available at: [http:// growthbook4.ec.unipi.it/chapter1-mokyer.pdf](http://growthbook4.ec.unipi.it/chapter1-mokyer.pdf)
  - Norrie, Alan Wiliam, Crime, Reaserch and History: A Critical Introduction To Criminal Law, 2<sup>nd</sup> ed, London, Cambridge University Press, 2006.
  - Pete, Stephen, "Falling on Stony Ground: Importing the Penal Practices of Europe into the Prisons of Colonial Natal", Fundamina, vol. 13, no. 2, 2007.
  - Rusche, George; and Otto Kirchheimer, Punishment and Social Structure, Fifth Printing, New Brunswick, Transaction Publishers, 2009.
  - Vaughan, Barry, "The Civilization Process and the Janus of Modern Punishment", Theoretical Criminology, Vol. 4, 2000.